

## مکتب‌های ادبی پیش‌قراول مکتب‌های سیاسی:

### پیش‌بینی وجود و مفهوم کودتا در «مکتب» اثر شکسپیر

سیده زهرا نوزن<sup>۱</sup>

یاسر حدیدی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۱۳

10.22080/RJLS.2022.23872.1332

#### چکیده

شکسپیر در سال ۱۶۰۶، پدیده و مفهوم کودتا را کمی پس از سرنوشت فاجعه‌بار شاه لیر و مدّت‌ها قبل از اینکه این اصطلاح وارد عرصه‌ی سیاست شود، با اجرای نمایشنامه مکتب پیش‌بینی کرد. این مقاله در تلاش است تا ماهیت و عناصر کودتا در مکتب و قدردانی از پیش‌بینی شاعرانه‌ی این مفهوم سیاسی را از طریق تحلیل زمینه‌ای از سرنوشت محزون شخصیت اصلی نمایشنامه بررسی کند. ترکیب جاه‌طلبی و عطش قدرت، اعتماد و وفاداری را به خیانت و دوستی را به دشمنی تبدیل می‌کند و همه امیدها و آمال را در دنیای خیالی و واقعی از بین می‌برد. به نظر می‌رسد که شکسپیر به ملکه‌ی انگلیس از خطر احتمالی خیانت ژنرال‌هایش که مدّت طولانی مورد اعتمادش بودند و اندیشه‌ی آنان آستن افکار پلیدی همانند جاه‌طلبی مکتب بود، هشدار می‌دهد. شکسپیر، افراد را با قدرت زیاد و روابط سیاسی سالم، اعتماد و وفاداری در هماهنگی با طبیعت و محیط اطرافشان به تصویر می‌کشد، اما آنچه هنوز در درون سکنی گزیده، کاملاً متفاوت است. با ادامه‌ی نمایشنامه، خنجر زدن از پشت (خیانت) بسیار مشهود می‌شود، اما برای پادشاه دانکن، مجالی برای ممانعت نیست. نظریه پردازان سیاسی می‌توانند به تاریخ بنگرند تا از مکتب شکسپیر استفاده کنند و تعریف قدیمی‌تر و عتیق‌تری برای کودتا در لغت‌نامه‌های خود ارائه دهند؛ همان‌طور که مقاله‌ی حاضر قصد دارد با تحلیل محتوایی دقیقی از شواهد تراژدی شکسپیر یعنی مکتب به آن پردازد.

**واژه‌های کلیدی:** کودتا، پادشاهی، وسوسه، توهم، شکسپیر، مکتب، وفاداری.

<sup>۱</sup> - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علوم نظامی امین، تهران، ایران. (نویسنده‌ی مسؤول)، رایانامه: znozen@yahoo.com

<sup>۲</sup> - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز، ایران. رایانامه: hadidy@tabriz.ac.ir

## ۱- مقدمه

مکبث هر چند کوتاه‌ترین تراژدی شکسپیر است، به جدی‌ترین وضعیت سیاسی می‌پردازد، آنچنان که در قرون آتی نیز باید به تعاریف و نظریه‌پردازی آن پرداخت. نمایشنامه‌ی هملت<sup>۱</sup> همواره به‌عنوان طولانی‌ترین تراژدی شکسپیر در حد و اندازه‌های آثار حماسی مورد ستایش قرار گرفته است و این دو اثر به‌ظاهر متفاوت، سست‌عنصری و خیانت‌مشترک بین انسان‌ها را در بعدی مشابه به نمایش می‌گذارد. کلادیوس<sup>۲</sup> در هملت، همان خیانتی را نسبت به شاه هملت<sup>۳</sup> کرد که مکبث در برابر دانکن<sup>۴</sup> مرتکب شد. آنچنان که یکی قربانی و دیگری جنایتکار است؛ یکی، نقش شجاع را به خود می‌گیرد و دیگری، نقش شرور را اجرا می‌کند. شاه لیر، اتللو<sup>۵</sup>، ترویلوس و کرسیدا<sup>۶</sup> و ژولیوس سزار<sup>۷</sup> هر کدام به مفهوم خیانت در موقعیت‌ها و روایت‌های متفاوتی می‌پردازند. در میان همه آن‌ها، مکبث بزرگ‌ترین خطر را برای پادشاه و تاج پادشاهی داشته است. شخصیت‌های شکسپیر، نه عروسک‌های مومی هستند و نه متعلق به زمان و مکان خاصی؛ بلکه بی‌وقفه زنده‌اند، سخنانی بسیار قدرتمند بر زبان می‌آورند و واقعیت‌های ماندگاری را یادآور می‌شوند که در گذر زمان و شرایط ناپدید نمی‌گردند.

شکسپیر، نمایشنامه‌نویسی که از ذائقه‌ی مردمان سرزمینش آگاه است و می‌داند که خنده‌های شایسته و تمسخر صمیمانه را تحسین می‌کنند، حتی در تراژدی‌های خود نیز به این مهم می‌پردازد و از طریق دلکک‌ها، سرنخ‌های زیادی درباره‌ی زندگی و واقعیت ارائه می‌دهد. با بلوغ هنری شکسپیر، داستان‌های او نیز قدرتمندتر می‌شود و بر مخاطبانش تأثیر عمیق‌تری می‌گذارد؛ طلسم و سحری که از نسلی به نسل دیگر گسسته نمی‌شود. وسوسه‌ی تاج و تخت و عطش جاه‌طلبی مکبث، نبردهای پرتلاطمی را هم درون او و هم در اطرافش به راه می‌اندازد. از این نظر، شخصیت‌هایی که شکسپیر خلق می‌کند، به‌عنوان نمادهای بشری عمل می‌کنند که برای بخت و اقبال خود تلاش کرده، گاهی در مانده و بی‌دفاع در مقابل قضا و قدر که سقوط و زوالشان، قلب را با طنین ماندگاری لمس می‌کند، تأثیر می‌گذارند. شکسپیر مانند

- 
1. Hamlet
  2. Claudius
  3. King Hamlet
  4. Duncan
  5. Othello
  6. Troilus and Cressida
  7. Julius Caesar

همه‌ی فیلسوفان بزرگ سیاسی، افق‌های فلسفی خود را با افق‌های سیاسی هم‌سو می‌نمایند و رژیم‌های سیاسی مختلف را در این فرآیند بررسی می‌کند. این توانمندی به او فرصتی می‌دهد تا فراتر از رنسانس<sup>۱</sup> حرکت کند و تصویری از انسانیت خلق نماید. آنچه او در این نمایشنامه می‌گوید و اجرا می‌کند، جوهر و روح چیزی است که مردم سال‌ها بعد احساس کردند، یعنی کودتا. عطش مکتب به پادشاهی و تاج و تخت، با جادوگران و حمایت همسرش پدیدار گشت و در نهایت به توهم، جنون و مرگ و هلاکت منجر شد. بارد آوون<sup>۲</sup>، تصرف غیر قانونی قدرت را دو قرن قبل از ظهور اصطلاحات سیاسی کودتا در متون انگلیسی در قرن نوزدهم، تجسم و تصویرسازی کرد.

#### ۱-۱- ضرورت تحقیق

نمایشنامه مکتب بر مفهوم فساد و نابودی حاکمان و جنگجویانی تمرکز می‌کند که انگیزه‌ای به جز جاه‌طلبی و حرص و آز، آن‌ها را به جلو نمی‌راند. این مطلب برای رهبران سیاسی و نسل جدید سیاست‌مداران بسیار حائز اهمیت است تا بدانند که گذشتن از مرزها و خطوط اخلاقی به قیمت مرگ و نابودی انسان‌های بی‌گناه، بسیار بیهوده است. می‌توان از این زاویه به موضوع نگاه کرد که خیانت و پیمان‌شکنی در قلب هر فرایند کودتا قرار دارد. بنابراین هر لایه‌ی سیاسی که قدرت را در دست دارد، ضروری است که اسباب پشت پرده‌ی این واقعه را مطالعه کند تا مانع تبدیل آن به فاجعه شود.

ادیان و نمایشنامه‌نویسان زیادی روی ابعاد سیاسی زندگی انسان تمرکز کرده‌اند، ولی تلاشی که شکسپیر در کوتاه‌ترین تراژدی خود می‌کند، پژوهشی رساتر و فراتر از زمان و مکانش دارد و به آن محدود نمی‌شود. شکسپیر برای کسانی که قدرت سیاسی را در دست دارند، دیدگاهی عمیق و فهمی بهتر از دنیای مدرن ارائه می‌دهد. نمایشنامه‌ی مکتب، تفکرات او را درباره‌ی وقایع سیاسی زمان منعکس می‌کند. گویی که نویسنده، انواع مهم خصوصیات سیاسی را برای قانون‌گذاران و پیکره‌ی اداره‌کننده‌ی جامعه گروه‌بندی می‌کند تا آن‌ها نسبت به کسانی که با حرص و ولع اطراف هسته قدرت مانند مگس‌ان پرواز می‌کنند، آگاهی لازم را پیدا کنند. با این دیدگاه، مطالعه‌ی حاضر، کاوشی عمیق در مفاهیمی تئوریک در سیاست است، به همراه مثالی از اینکه چگونه یک اثر ادبی بزرگ، آگاهانه به نسل‌های بعدی، به سازندگان جوان ملت‌ها و جوامع آینده، مفاهیمی حیاتی در سیاست را منتقل می‌کند.

---

1. Renaissance

۲. لقب شکسپیر

۱-۲- پرسش‌های تحقیق

- اجزای برجسته‌ی کودتا در نمایشنامه مکبث کدام است؟
- سرمنشأ این اجزای برجسته کودتا در نمایشنامه مکبث چیست؟
- پیش‌بینی کودتا، چگونه آگاهی جامعه را فراتر از زمان و مکانی خاص، قدرت می‌بخشد؟

۱-۳- پیشینه‌ی تحقیق

نمایشنامه مکبث، وقایع سیاسی را در زمان پادشاهی شاه جیمز<sup>۱</sup>، پادشاه اسکاتلند و انگلستان در سال ۱۶۰۳ به تصویر می‌کشد. در تحلیل تاریخی و بستر محور وقایع، برخی از آن‌ها در کارهای ادبی، نمود و حضوری شکل‌دهنده دارند. «توطئه‌ی باروت<sup>۲</sup>» واقعه‌ای تاریخی و سیاسی است که عنصری اساسی در بحث‌های مربوط به اثرهای شکسپیر است و متخصصان تاریخ باید به آن توجه ویژه‌ای داشته باشند.

نوامبر ۱۶۰۵ بود و خیانت به کشور و پیمان‌شکنی در ذهن همه‌ی مردم انگلستان موج می‌زد. گروهی کوچک از کاتولیک‌های عصبانی و انتقام‌جو که از آزار و اذیت بی‌پایان به دست پادشاهی حاکم و پروتستان به تنگ آمده بودند، نقشه‌ای پیچیده برای منفجر کردن مجلس شاه جیمز اول و حکومت او طراحی کردند. ولی عامل اصلی انفجار، یعنی گای فوکس<sup>۳</sup> مشهور، در سرداب زیر قصر، قبل از موفق شدن به ایجاد انفجار دستگیر شد، درحالی که کبریت به دست آماده بود تا بیست بشکه‌ی باروت را منفجر کند. شکسپیر با این فضای حاکم و حادثه‌خیز سیاسی آشنایی داشت. حتی پدرش که یک کاتولیک بود، به خاطر بیم از کشته شدن، آیینش را تغییر داده بود.

شکی وجود ندارد که شکسپیر، نمایشنامه مکبث را تحت تأثیر این عوامل موجود و با هدف نشان دادن وفاداری‌اش به جیمز اول نوشت. همان‌طور که می‌دانیم، جریان اصلی داستان هم توطئه علیه پادشاه اسکاتلند به همراه عواقب تاریک و تلخ وقایع متعدد است. او رخداد‌های واقعی زیادی را در نمایشنامه‌ی مکبث زنده می‌کند؛ مانند مدالی با تصویر ماری که در گل‌های سوسن و گل‌های رز مخفی شده و تداعی توطئه‌ی معروف باروت است که بانو مکبث به آن اشاره می‌کند. شکسپیر که استاد جزئیات است، کلاف توطئه‌ی باروت را مانند تار و پودی از یک فرش به درون نمایشنامه به‌طور مستقیم و جدانشدنی می‌بافد.

---

1. James  
2. Gun Powder Plot  
3. Guy Fawkes

برای یادبود و گرامیداشت کشف این توطئه‌ی وحشتناک، شاه‌جیمز دستور داد تا مدالی تولید شود که رویش، ماری حکاکی و در میان گل‌ها مخفی شده باشد. در این ضمن، بانو مکبث به همسرش نصیحت می‌کند که «در ظاهر مانند یک گل بی‌گناه، ولی در واقع مار زیر آن گل باشد.» (Mabilard, 2000: 148)

پی بردن به استعداد سیاسی شکسپیر، سنتی معمول در بین سیاست‌مداران گذشته و حال بوده است. گفته می‌شود که رییس‌جمهور لینکن<sup>۱</sup>، کتابی به‌عنوان هدیه از نویسنده‌ی آن، جیمز هکت<sup>۲</sup> با عنوان «یادداشت‌ها و نظرها درباره‌ی برخی از نمایشنامه‌ها و شخصیت‌های شکسپیر» دریافت کرده بود. از کاخ سفید لینکن به هکت، جوابی با این مضمون در ۱۷ آگوست ۱۸۶۳ نوشته شد: «برخی از نمایشنامه‌های شکسپیر را هرگز نخوانده‌ام، درحالی‌که برخی دیگر را بارها خوانده‌ام. در بین اینها شاه‌لیر، ریچارد سوم، هنری هشتم، هملت و به‌ویژه مکبث است. من فکر می‌کنم هیچ‌چیز با مکبث برابری نمی‌کند. این نمایشنامه، پر از شگفتی است.» با توجه به علاقه‌ی لینکن به مکبث، الن بلوم<sup>۳</sup> از دانشگاه شیکاگو می‌نویسد: «مردی که مکبث را طوری واقعی و قابل‌باور بتواند بنویسد که لینکن آن را بهترین نشان‌دهنده مشکلات ظلم و قتل بداند، چنین مردی قطعاً درباره‌ی سیاست، دانش فراوان داشته، و گرنه هر چقدر هم زبانش زیبا بوده باشد، نمایشنامه نمی‌توانست مردی را جذب کند که به معنای واقعی سیاست را بلد است.» استاد دانشگاه UCLA، مطالعه‌ی خود درباره‌ی نمایشنامه‌های تاریخی را در سال ۱۹۷۴ با گفتن این نکته به پایان می‌برد: «هر کدام از تاریخ‌هایی که در نمایشنامه‌های شکسپیر پدیدار می‌شود، نقشی در جامعه ایفا می‌کند. این نقش مربوط می‌شود به روشن کردن مشکلات سیاسی دوران الیزابت با استفاده از فلسفه‌ی سیاسی تودورها<sup>۴</sup>.»

لیکیندورف<sup>۵</sup> (۱۹۸۷) در کتاب «اخلاق و سیاست در مکبث اثر شکسپیر» اذعان می‌دارد: «وقتی اخلاق در راستای به‌چنگ آوردن و نگه داشتن قدرت تعریف می‌شود، این دو مفهوم همان‌طور که در مکبث به آن‌ها پرداخت می‌شود، همدیگر را نقض نمی‌کنند، بلکه به همدیگر وابسته هستند.» لگات<sup>۶</sup> (۱۹۸۸) در

---

1 President Lincoln  
2 James Hackett  
3 Allan Bloom  
4. Tudors  
5. Lickindorf  
6. Leggatt

کتاب «نمایشنامه سیاسی شکسپیر» تأکید می‌کند که «پرداخت شکسپیر به سیاست، عمیق و اکتشاف‌محور است. سیاست برای شکسپیر، جست‌وجوی راه‌حل‌های مشکلات جامعه یا اقتصاد نیست، بلکه جست‌وجویی برای قدرت و مرکزیت توسط خود سیاست‌مداران است.» در همین راستا هاول<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) در کتاب «مردانگی و هویت مردانه در مکبث، تراژدی اثر شکسپیر» بیان می‌دارد که «کلمات بانو مکبث که مکبث را برای کشتن پادشاه متقاعد می‌کند، تضادی عمیق و اساسی را در جامعه‌ی مردسالار آن زمان نشان می‌دهد. هرچند زنان به‌طور متداول هیچ نقشی در حیات سیاسی نداشتند، می‌توانستند از لحاظ سیاسی برای ثبات کشور خطرناک باشند؛ کشوری که زنان در آن تلاش می‌کردند چیزی را به‌طور مخفیانه به دست آورند که به‌طور آشکار به آن‌ها داده نمی‌شد.»

گلدشتاین<sup>۲</sup> (۲۰۱۷) بر این باور است که شکسپیر می‌داند معنا و احساس بودن در مرکز قدرت چیست. او دانشی اصیل و طبیعی از روش استفاده‌ی قدرت برای خیر یا شر و درباره‌ی عواقب چنین سوءاستفاده‌ای دارد. او تنش‌ها و تلاش‌هایی را که از تضاد بین ایده‌آل‌های اخلاق و ملزومات مملکت‌داری به وجود می‌آید، می‌فهمد. ایناک پاول<sup>۳</sup> (۱۹۹۸-۱۹۱۲) هنگام تحقیق درباره‌ی کار شکسپیر روی سیاست رده بالا، از تجربه‌ی سیاسی خود استفاده می‌کند و این چنین می‌نویسد: «من عضو کابینه بودم و بیست سال در دنیای سیاست بودم. من فهم و درک کافی داشتم که نزدیک بودن به مرکز این آتش، چه احساسی دارد. شگفتی من زمانی بود که فهمیدم این اثرها، تولید کسی است که واقعاً نزدیک آتش و چالش سیاست بوده است. این اثرهای ادبی را کسی نوشته که واقعاً تجربه‌ی این زندگی را داشته است؛ کسی که قسمتی از یک زندگی سیاست و قدرت بوده است؛ کسی که می‌داند احساس نزدیک بودن به مرکز قدرت، چه احساسی است، نزدیک گرمای آتش.»

در کتاب «تخیل سیاسی مکبث: تلاش برای پادشاهی در مکبث»، عبدالمطلب و رواشده<sup>۴</sup> (۲۰۲۱) بر این باورند که مکبث در واقع روی موضوع تنش برای پادشاهی متمرکز است؛ موضوعی که در هملت و شاه لیر هم مورد تمرکز او بوده است. خود مکبث و شاه دانکن، مثال‌هایی بارزی از کاوش کردن دو سر یک طیف بزرگ هستند: پادشاهان و تلاش‌هایشان برای سلطنت و عواقب نابودکننده‌ی جاه‌طلبی برای

1. Howell

2. Goldstein

3. Enoch Powell

4. Abdul Mutaleb and Rawashedeh

قدرت و پادشاهی. نظریه‌پردازان سیاسی شاید بر این باور بوده‌اند که پس از وقوع چندین کودتا، به تئوری‌سازی آن در کتب سیاسی پرداخته‌اند. این تحقیق، ردپای کودتا را نه در جوامع انسانی، بلکه در آثار ادبی برای اولین بار با بررسی متون شکسپیر انجام می‌دهد. بسیاری از نظریه‌های روان‌شناسی هم ریشه در ادبیات دارند، همان طوری که عقده‌ی خودکم‌بینی<sup>۱</sup> شاید خوانش روان‌شناسانه از لی‌لی پوت سفرهای گالیور باشد، کودتا هم می‌تواند خوانش سیاسی مکتب به حساب آید.

با این زمینه، پژوهش حاضر از دیدگاهی متن‌محور و تحلیلی استفاده می‌کند. بحث‌ها، استدلال‌ها و تحلیل کیفی موردنظر در قسمت‌های بعدی مطرح خواهد شد.

## ۲- روش تحقیق

این مقاله، روش تحقیق کیفی را دنبال می‌کند، به نحوی که از تحلیل متنی و فرامتنی و رجوع به متن اصلی ادبی یعنی نمایشنامه مکتب استفاده می‌کند. پیشینه‌ای تاریخی به همراه مبانی نظری مربوط به کودتا در دنیای سیاست بر اساس نیاز مطرح خواهد شد. یافته‌های تحقیق با تحلیلی دقیق از متن نمایشنامه مکتب بررسی می‌شود. در این رابطه تلاش می‌شود تا ده مؤلفه‌ی ریشه‌ای و اصلی در نمایشنامه و در ارتباط با مفهوم کودتا شناسایی شود: پیمان‌شکنی، وسوسه، توطئه، خیانت و بدعهدی، تشویش، توهم، ظلم و ستم، قربانی شدن، بیهودگی و پوچی و جاه‌طلبی. مثال‌هایی از هر مفهوم از متن نمایشنامه بررسی شد و تحلیل موردنظر منتج به مدل مفهومی پژوهش گشت.

همچنین از ابزار مهم تئوریک دیگری برای تحلیل متن و کلام و گفتمان استفاده شد. بسیار حائز اهمیت می‌نمود که از نگاه فرامتنی، بین متنی و بین کلامی که در تئوری تحلیل کلام، گفتمان و متن اجتناب‌ناپذیر است، در این تحقیق نیز استفاده شود؛ زیرا یکی از اهداف مهم دیگر، ساختن و بازشناسایی روابطی با متن‌ها و ارتعاشات صداها و نظرها در دنیای سیاست، تئوری سیاسی، نظریه مکاتب ادبی و همچنین ارتباط آن با متون ادبیات جهان بود.

## ۳- مبانی نظری

اولین نشانه‌های یک تئوری منسجم در کودتا، در نتیجه وقایع واقعی و مثال‌هایی ملموس از کودتاها، دنیای مدرن در تغییرها و انتقال‌های قدرت بوده است. این پدیده‌ی سیاسی به این شکل تعریف شده است:

---

1. Inferiority Complex

«برکناری ناگهانی، به زور و غیر قانونی یک دولت، معمولاً به وسیله‌ی ارتش یا قسمتی از آن و همراه شدن کودتا، اغلب با ناآرامی گسترده و طولانی و بدتر شدن اوضاع، به نحوی که مستقیماً به ارتش مربوط شود. شکل برکناری رهبر از قدرت، غیر ارادی و غیر قانونی است؛ توطئه‌ای نابخشودنی که ارتش یک کشور، دولت آن یا طبقه‌ی نخبگان جامعه آن را شکل می‌دهند و هدفش، کنار زدن رهبر قانونی یک کشور و جایگزین کردن فرد دیگری است.» (MacLean, 1996: 117-118)

شخصیت‌های شکسپیر همه به نوبه خودشان ویژه هستند. آن‌ها نسل به نسل به خاطر حقیقت اخلاقی و تشابه به زندگی طبیعی، مورد عشق و توجه خوانندگان بوده‌اند. نمایشنامه‌های شکسپیر، مرد بودن مردان را فراتر از یک واقعیت ملموس در یک نمایشنامه و انسان‌ها را در تله‌هایی به تصویر می‌کشد که در آن‌ها در حال دست و پا زدن هستند، درحالی که در انحصار نیروهایی مرموز و قوی در دنیا قرار گرفته‌اند.

بن جانسون<sup>۱</sup> به خوبی در این مورد نظر می‌دهد و می‌نویسد: «شکسپیر متعلق به یک زمان نبود، بلکه به تمام زمان‌ها تعلق داشت. او متعلق به یک کشور نبود، بلکه به تمام کشورها تعلق داشت.» شکسپیر، شاعر جاودان و چهره‌ی ماندگار همه‌ی دنیاست. او برای صحنه و تماشاگران دوران الیزابت می‌نوشت، ولی به همین ترتیب برای تمام خوانندگان زبان انگلیسی تمام اعصار و در تمام مکان‌ها قلم‌فرسایی می‌کرد. اثرهای او همچنین به زبان‌های بی‌شمار دنیا ترجمه شده است. فیلم‌هایی که از نمایشنامه‌های او اقتباس شده، هنوز هم تماشاگران و علاقه‌مندان زیادی را جذب می‌کند. نمایشنامه‌های شکسپیر مانند رودخانه‌ای از حیات و زیبایی است که همیشه در جریان است و همه آن‌هایی که تشنه‌ی هنر و حقیقت هستند، می‌توانند از آن سیراب شوند. (Paul, 2012: 4)

اهریمنی که درون مکبث نفوذ کرده، مسیر وقوع فجایع را هموار کرده است، آنگونه که با ادامه‌ی داستان، اتفاقات جبران‌ناپذیری به وقوع پیوندند. شکسپیر، مفهوم اساسی و کارکرد اصلی کودتا را در نمایشنامه‌ی مکبث در اوایل قرن هفدهم، بسیار پیشتر از زمانی که منتقدان یا سیاست‌مداران درباره‌ی آن بنویسند یا حتی فکر کنند. در پرده‌ی اول، صحنه‌ی اول، شکسپیر با غرّش تندر شروع می‌کند و از این طریق ماهیت ناگهانی اتفاقات آینده را پیش‌بینی کرده، به تصویر می‌کشد. تندر هم در درون و هم در بیرون قهرمان داستان اتفاق می‌افتد و سرانجام به نابودی او و نظام حاکم ختم می‌شود.

---

1. Ben Jonson



حتی بعد از گذشت چهار قرن، نظریه‌پردازان سیاست هنوز هم به صحنه‌ی غرّش رعد و برقی که شکسپیر به تصویر می‌کشد، اشاره می‌کنند و آن را تصویری از ماهیت بسیار ناگهانی کودتا می‌دانند. بر اساس نظر لوتواک<sup>۱</sup> (۲۰۱۶)، مارکس و انگلز<sup>۲</sup> درباره‌ی انقلاب، مطالب زیادی نوشته‌اند، ولی مطلب خاصی درباره‌ی تکنیک انقلاب وجود ندارد. تنها رهبر جناح چپ سیاسی که در قرن ۱۹، دستورالعمل-های دقیقی در این مورد عنوان کرد، اوگوست بلانکی<sup>۳</sup> بود که او هم البته توفیق زیادی نداشت. قبل از او نیز فردی به نام گابریل نوده<sup>۴</sup> وجود داشت که اثرش در پاریس در اواخر قرن هفدهم چاپ شد. در سال ۱۷۱۱ دکتر ویلیام کینگ<sup>۵</sup>، کتاب او را به انگلیسی (تفکراتی سیاسی درباره‌ی سیاست متعالی و حرکات هوشمندانه‌ی حکومت) ترجمه کرد. برخی از این نظرها با موضوع کنونی ما ارتباط بسیاری دارد:

غرّش تندر قبل از شنیده شدن صدای آن در آسمان رخ می‌دهد. دعاها نجوا می‌شوند، قبل از اینکه زنگ آن‌ها به صدا در بیاید. کسی که فکر می‌کند در حال زدن ضربه است، ضربه را دریافت می‌کند. آن کسی زجر می‌کشد که هرگز انتظار آن را نداشت و آن کسی می‌میرد که خودش را در امن‌ترین شرایط تصور می‌کرد. همه اینها در شب و ظلمات و مخفیانه رخ می‌دهد، در بین توفان‌ها و تحیر و سرگشتگی.

(Luttwak, 2016: 26)

مطالعه‌ی حاضر، تحلیل و بررسی انتقادی‌ای از موضوع کودتا را در نمایشنامه مکبث اثر شکسپیر ارائه می‌کند. هرچند کودتا، مفهومی مدرن در سیاست است، در تراژدی شکسپیر - مکبث - عمق و تمرکز فراوانی را به خود اختصاص می‌دهد. نقدها و تحلیل‌های زیاد دیگری به این مطلب، یعنی ابعاد مختلف مکتب و تفکر سیاسی شکسپیر در نمایشنامه مکبث، از زوایای مختلف پرداخته‌اند. کتاب‌ها، پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌ها نیز به این مهم پرداخته‌اند. ولی همان‌طور که پیشتر ذکر شد، پژوهش حاضر تلاشی است تا به این مکتب با نگاهی نو پردازد، به گونه‌ای که بیشتر در مطالعات قبلی با این نگاه انجام نشده است.

---

1. Luttwak

2. Marx and Engels

3. August Blanqui

4. Gabriel Naude

5. Dr. William King

#### ۴- یافته‌ها و بحث

۴-۱- اجزای تشکیل‌دهنده‌ی کودتا در نمایشنامه

۴-۱-۱- پیمان‌شکنی

کلمه‌ی خیانت، کلمه‌ای با بار معنایی بیش از حد قوی است. خیانت کردن یعنی دادن چیزی به دستان دشمن از طریق دروغ و نیرنگ و بدعهدی. خیانت به معنای بی‌ایمانی و پایمال کردن اعتماد است. (ر.ک: Scott, 2008)

از همان آغاز نمایشنامه، قهرمان داستان - مکبث - مانند کرتز<sup>۱</sup> در داستان «قلب تاریکی»<sup>۲</sup> اثر جوزف کونراد<sup>۳</sup> ظاهر می‌شود. یعنی مکبث به‌طور غیرمستقیم و از دهان دیگران معرفی نمی‌شود. شکسپیر مستقیماً تصویر او به‌عنوان یک جنگجوی وفادار می‌سازد، به‌طوری‌که سقوط بعدی او برای خواننده تأثیرگذار و تأثرانگیز است. همان‌طور که دانکن، مکبث و بانکو<sup>۴</sup> را در پرده‌ی اول صحنه‌ی دوم مورد تقدیر خود قرار می‌دهد:

بر لشکر خصم، گویا دریایی

از خون طلبند تا در آن غوطه‌خوردند

یا خاطره‌ای ز جلجتا. اما حال

طاعت ز کفم برفته و زخم تنم

فریاد کمک کشد. (پرده اول، صحنه‌ی دوم)

این‌ها جنگجویانی هستند که به پادشاه بسیار نزدیک و برایش بسیار عزیزند. پادشاه هرگز حتی فکرش را هم نمی‌تواند بکند که آن‌ها بتوانند به «انتظارات او خیانت کنند». پادشاه، مکبث را در پرده‌ی اول صحنه‌ی دوم مورد خطاب قرار می‌دهد و از او به‌عنوان «پسر عموی باشرافت!» یاد می‌کند و در عین حال عنوان می‌کند که قادر نیست از مکبث به اندازه کافی قدردانی نماید. اینکه قدردانی او هرچه باشد، قادر نیست عدالت قدردانی واقعی را درباره‌ی مکبث و بانکو محقق کند. شاه دانکن اضافه می‌کند که هر

---

1. Kurtz  
2. Heart of Darkness  
3. Joseph Conrad  
4. Banco

کاری کند، مکتب و بانکو بیشتر از آن را شایستگی خواهند داشت؛ بیشتر از چیزی که پادشاه بتواند در تمام عمرش ادا کند.

خویشاوندی و رادمردی فرزاد

این تهاجم آیا

در بیم فکند بانکو و مکتب را

سردارانم. (پرده‌ی اول، صحنه‌ی دوم)

ای کاش لیاقت تو کمتر می‌بود

تا شکر و عطای من فراتر می‌رفت

از آنچه سزای توست، تنها نگویم

شایستگی تو بارها بیشتر است

از آنچه مرا توان بخشیدن هست. (پرده‌ی اول، صحنه‌ی چهارم)

پاسخ مکتب به پادشاه هم بسیار قابل تأمل است:

پیمان و وظیفه‌ای که برعهده‌ی ماست

ما نیز موظف به خدمت هستیم

در حفظ و حراست از سریر شاهی

با عشق و مودّتی که هر فرزندی

دارد به پدر، و عزّت و اکرامی

کز چاکر صادقی توقّع دارد. (پرده‌ی اول، صحنه‌ی چهارم)

مکتب به دانکن توضیح می‌دهد که تنها خوشی او در زندگی، بودن در خدمت شاهش است:

اوقات فراغتی که در خدمت شاه

در کار نرفته، زحمتی جان‌فرساست

اکنون خود پیک خوش‌خبر خواهم بود

تا مژده‌ی میزبانی موکتبان

بنوازد گوش بانویم را... (پرده‌ی اول، صحنه‌ی چهارم)

ولی در درون، داستان کاملاً متفاوتی در حال شکل‌گیری است. او به مالکوم فکر می‌کند که شاهزاده کامبرلند خواهد شد و این فکر اجازه نمی‌دهد که مکبث به طرح‌ها و نقشه‌هایش ادامه دهد. او در جمله‌هایی طعنه‌آمیز و غیرمستقیم، درباره‌ی این حقیقت صحبت می‌کند:

فرماندهی و حکومت کامبرلند (با خود)

سنگی است به راه من که یا با جهشی

از آن گذرم و یا نگوئسار شوم.

ای جمع ستارگان کنون مشعل خویش

خاموش کنید تا نتابد نوری

بر نیت تیره و سیاهم. هر چند

آسیمه شده است دیده از کرده دست

بگذار که آنچه چشم از آن می‌ترسد

گر کرده شود، ولی به انجام رسد. (پرده‌ی اول، صحنه‌ی چهارم)

شکسپیر با مکبث، دنیایی را به تصویر می‌کشد که در بالاترین سطح وفاداری بین یک پادشاه و رعیتش است؛ اما چیزی که در سینه‌ها و در درون وجود دارد، به‌طور خصمانه‌ای فاسد و بدون تعهد است و بانو مکبث نیز این آتش را زنده و شعله‌ور نگه می‌دارد. او آمدن همسرش را به خانه خوش‌آمد می‌گوید:

بالاتر از این دو، بر تو بسیار درود

هر سطر از نامه‌ات مرا با خود برد

از جهل زمان حال آنجا که کنون

آینده‌ی خود در این زمان می‌بینم. (پرده‌ی اول، صحنه‌ی پنجم)

۴-۱-۲- و سوسه

و سوسه در کلمات بانو مکبث، بسیار آشکار است. او کسی است که سیل بدبختی را به سمت شوهرش گسیل می‌دارد. توصیه او به مکبث به تظاهر به شادی و ابراز خوشحالی و واگذار کردن امور به او برای سرپوش گذاشتن به ضعفی که عیان است، در این ابیات قابل فهم است:

بگذار که در تو راستی را بیند

چون چهره‌ی منقلب نشان ترس است

جز این همه را برعهده‌ی من بگذار. (پرده‌ی اول، صحنه‌ی پنجم)

در بیان صداقت و حقیقت‌گویی همسرش، بانو مکبث تأکید می‌کند که مکبث مانند یک کتاب باز، ساده و قابل خواندن است؛ جایی که مردم می‌توانند تمام افکار خوب و بد او را بخوانند. ولی بانو مکبث، این نکته را یک ضعف می‌داند و به مکبث تأکید می‌کند که اگر می‌خواهد دنیا را فریب دهد، رفتارش باید با ملزومات این امر مطابقت داشته باشد. از طرف دیگر، شاه دانکن به حامیانش اعتماد کامل نشان می‌دهد، به‌ویژه به مکبث و بانو مکبث.

این قصر به موضعی است دلکش، و هوا

با نرمی و عطر خود نواز جان را. (پرده‌ی اول، صحنه‌ی ششم)

مکبث در تمایزش برای کشتن پادشاه آشکارا لرزان و نامطمئن است؛ ولی همسرش او را به پیش می‌راند تا مکبث چیزی را که جادوگران درون او زنده کرده بودند، کامل کند. از مکبث به‌طور مستقیم و صریح می‌پرسد که آیا این مکبث نیست که مصداق آن گربه است که می‌خواست ماهی بخورد، اما از خیس شدن پاهایش می‌ترسید.

... اینک آیا در تو

ترس است از اینکه خود بدان‌گونه شوی

کاندر در دل خویش آرزو داشته‌ای؟

یا آنکه چو بزدلان، از این پس گویی

«جرات نکم» همیشه برتر بوده است

از «می‌خواهم» و روزگارت گذرد

چون گربه‌ی آن حکایت؟ (پرده‌ی اول، صحنه‌ی هفتم)

مکبث می‌داند که کارش وحشتناک است، ولی تصمیم قطعی‌اش را می‌گیرد و از تمام قدرتش برای انجام آن استفاده می‌کند. این چنین است که یک صورت معصوم، احتمال زیادی دارد که خیانت پنهان در قلب را مخفی کند:

اینک برویم در حضور دانکن

با ظاهر مهربان و رفتاری نیک.

بایست به چهره‌ی فرینده‌ی خود

دل‌های فریبکار را بپوشانیم. (پرده‌ی اول، صحنه‌ی هفتم)

۴-۱-۳- توطئه

با گذر زمان، دسیسه مکبث پیچیده‌تر می‌شود و تمام جسم و روح او را به گونه‌ای فرامی‌گیرد که گویی در کلافی درهم‌تنیده است که پیوسته بزرگ‌تر می‌گردد. جام شراب زندگی نوشیده شده و تهی گشته و تنها چیزی که می‌تواند دنیا به آن افتخار کند، بقایای بی‌ارزش مانده در ته آن جام است.

یک ساعت پیش از این اگر می‌مردم

عمرم به خجستگی به سر آمده بود

اما پس از این، حیات فانی دیگر

خالی است ز هرچه قدر و قیمت دارد

جز ملعبه نیست آنچه برجا مانده است

آواز و جا مرده، در ساغر تن

خشکیده شراب عمر و تنها دردی

باقی است که ما گزافه گوئیم از آن. (پرده‌ی دوم، صحنه‌ی سوم)

۴-۱-۴- خیانت

بعد از شنیدن پیشگویی جادوگران، مکبث اعتراف می‌کند که:

در حجره فتاده، پیکر سیمینی

آغشته به خون سرخ زرین قدرش

زخم تن او، گشاده سر، در نظرم

چون رخنه به پیکر طبیعت که از آن

نابودی و نیستی درون بتوان شد،

روی و تن قاتلان او پوشیده

با رنگ و نشان جرم، بر خنجرشان

خون بسته چو پای جامه بی‌ادبان. (پرده‌ی سوم، صحنه‌ی سوم)

دو اتفاق همزمان به وقوع می‌پیوندد؛ مرگ دانکن و سقوط مکبث به دره‌ای سیاه و عمیق از توهم و جنون. از این نقطه به بعد، تمام رفتار و گفتارش، او را بیشتر به لبه‌ی پرتگاه نابودی کامل سوق می‌دهد. بعد از مرگ پادشاه، صحبت پیرمرد با راس<sup>۱</sup> در بیرون قلعه، بسیار تأثیرگذار است؛ مانند کودتایی که ناگهان اتفاق می‌افتد و آغازگر شایعات و صحبت‌های مردم درباره‌ی اوضاع می‌شود؛ مردمی که گیج و متحیر هستند، مردمی که از واقعیات و پلیدی‌ها و سیاهی‌های پشت پرده و یا وسعت و عمق آن آگاه نیستند. پیرمرد که یکی از شخصیت‌های شکسپیر در نمایشنامه است، بیان می‌کند که او هفتاد سال دارد و چیزهای عجیب زیادی در این مدت عمرش دیده، ولی خشونت و درندگی جنایت قتل شاه، تمام تجربه و عقل و عمر او را به چالش می‌کشد. شاهینی که در آسمان در ارتفاع زیادی پرواز می‌کند و یک جغد معمولی که به دنبال شکار موشی است و این شاهین را مورد حمله قرار می‌دهد و می‌کشد، نشان‌دهنده سیاهی و پلیدی‌های ادامه‌دار در اتفاقات داستان است:

هفتاد گذشت و نیک در یادم هست

بسیار وقایعی از این حجم زمان

ساعات عجیب و موحشی را که کنون

ناچیز به دیده آیدم چون نگرم

بر این شب دلخراش

در هفته‌ی پیش

در روز سه‌شنبه، شاهبازی مغرور

در اوج شکوهمند خود در پرواز

دیدم که جغد موش‌گیری او را

گرفت و بکشت (پرده‌ی دوم، صحنه‌ی چهارم)

وقتی چرخ‌های خیانت و خدعه به حرکت درمی‌آیند، نمی‌توان آن‌ها را متوقف کرد. این چرخ‌ها به

حرکت و نابود کردن همه‌چیز در مسیرشان ادامه می‌دهند.

هیچ است این (با خود)

جز او ز وجود کس مرا بیمی نیست

1. Ross

هم او که فرشته نگهبان مرا  
مغلوب کند چنان که گویند سزار

این گونه به آنتونی خیانت ورزید. (پرده‌ی سوّم، صحنه‌ی اوّل)

دروغ، کنایه و ابهام منجر به سقوط مکبث می‌شود؛ سقوطی که با پیش‌گویی جادوگران شکل می‌گیرد و در حالی است که به مکبث وعده داده بودند که او همیشه در امنیت خواهد بود. این مسأله باز هم به فریب درون آیین کاتولیک، گارنت<sup>۱</sup> و توطئه‌ی باروت شباهت دارد. در ادامه، بعد از مرگ دانکن، مکبث مجبور می‌شود تا از شرّ بانکو نیز خلاص گردد؛ زیرا بانکو هم به شاه و هم به مکبث وفادار بود. او به دو قاتل دستور می‌دهد تا بانکو را به قتل برسانند و تلاش می‌کند تا در کشتن او به قاتلان کمک کند. او بانکو را دشمن اعلام می‌کند، ولی چون خیلی به بانکو نزدیک است و در عین حال نفرت زیادی از او دارد، اگر قرار باشد خودش بانکو را به قتل برساند، هر لحظه زندگی‌اش مانند خنجر زهر آگین خواهد بود که بر بدنش فرو می‌رود. او نمی‌تواند با بانکو مستقیم صحبت کند؛ زیرا آن‌ها دوستان مشترک زیادی دارند که حسن نیت و دوستی‌شان برای مکبث ارزشمند است. تحت تأثیر این افکار، مکبث از قاتلان کمک می‌طلبد تا بانکو را از میان بردارد. بنابراین این گونه با قاتلان در پرده‌ی سوّم، صحنه‌ی اوّل به شور می‌نشیند تا آن‌ها را راضی نماید:

هرچند اراده گر کنم، بتوانم

با قدرت خسروانه این دشمن را

از منظر خود برانم، اما بایست

پرهیز کنم، چرا که او را و مراست

یاران موافقی که عشق آنان

در مصلحتم نباشد از دست دهم

پس در غم آنکه خود زیادی اندازم

بایست چو دیگران عزادار شوم. (پرده‌ی سوّم، صحنه‌ی اوّل)



۴-۱-۵- تشویش

از همان آغاز پرده‌ی سوّم، صحنه‌ی دوّم، تشویش بانو مکتب قابل لمس است و نوعی خوشی ناپایدار در او احساس می‌شود. ترس به قلب‌های آن‌ها آرام‌آرام رخنه می‌کند و احساس می‌کنند که نمی‌توانند جاه‌طلبی‌ها و حرص‌هایشان را تا پایان کامل کنند و به نتیجه برسانند. مکتب اذعان می‌دارد که ذهنش چنان با تشویش شکنجه می‌شود که گویی تعداد فراوانی عقرب در آن، جا خوش کرده‌اند، چرا که بانکو و پسرش فلیانس<sup>۱</sup> هنوز زنده‌اند. آن‌ها مار افعی را تنها زخمی کرده و نکشته‌اند، زخمی که به‌زودی التیام خواهد یافت و این مار، آن‌ها را به خاطر انتقام خواهد درید.

ای همسر و عشق من، کنون ذهنم را

انباشته فوج عقربان، می‌دانی

زنده است هنوز بانکو و فرزندش. (پرده‌ی سوّم، صحنه‌ی دوّم)

۴-۱-۶- توهم

توهم، مکتب را رها نمی‌کند و تلاش‌های بانو مکتب برای بیرون کشیدن مکتب از آن نیز بی‌فایده است. مکتب به‌راستی تلاش می‌کند که کارهای گذشته‌ی خود را توجیه کند تا وجدانش را آرام نماید، ولی در این امر هر بار شکست می‌خورد. در تلاش‌های بیهوده‌اش، مکتب می‌گوید که خون در گذشته هم ریخته شده، حتی قبل از اینکه قوانینی برای جلوگیری از قتل وجود داشته باشد و یا حتی بعد از اینکه قتل‌های زیادی رخ داده است. ولی او اضافه می‌کند که در آن گذشته‌ها، مردی می‌مرد و آن پایان داستان بود، ولی اکنون مردان کشته‌شده برمی‌خیزند و زخم‌های کاری و عمیق سرهایشان را به نمایش بی‌پایان می‌گذارند و این امر را متوقف نمی‌کنند و این بدتر از خود قتل است.

از عصر کهن

زان پیش که رسم و راه و قانون بشر

آرامش و ایمنی به این ملک آرد

خون ریخته می‌شده است و بعد از آن هم

بوده است جنایت فراوان که از آن

گیریم دو گوش خویش، لیکن همه وقت

1. Fleance

چون مغز کس از سرش به بیرون می‌ریخت

می‌مرد و تمام بود کارش، اما

بنگر که کنون به پای خیزند آنان

با بیست شکاف مهلک مرگ‌آور

بر تارکشان، که جای ما را گیرند

این است عجیب‌تر از قتل. (پرده‌ی سوم، صحنه‌ی چهارم)

در پرده‌ی چهارم، راس معتقد است که همسر مکداف، مردی شریف، عاقل و متفکر است و کاملاً به بحرانی که کشور در حال تجربه‌ی آن است، آگاه است. راس اضافه می‌کند که قطعاً این بخت بد آن‌ها بوده است که در چنین زمانی زندگی کنند؛ زمانی که ممکن است هر لحظه آن‌ها را خائن اعلام کنند، بدون اینکه چیزی درباره‌ی خیانت بدانند.

شویت مردی است نژاده، زیرک و صاحب‌رای

کاو از خم و پیچ این زمان آگاه است

کافی است دگر، ز حرف پروا دارم

زیرا که زمانه‌ای است پر بیم و هراس

وقتی همه را چو خائنان انگارند

هرچند که خود ز جرم خود بی‌خبریم.

حال است زمان ترس از نجواها

بی‌آنکه دلیل ترس خود بشناسیم

چون جسم شناوری به روی آیم

کز گشته و مژ، به هر طرف سرگردان! (پرده‌ی چهارم، صحنه‌ی دوم)

۴-۱-۷- ظلم و ستم

این حکایت پیچیده و پلید طمع و حرص و آرزو، بانو مکداف را بر آن می‌دارد تا تلاش کند به پسرش درباره‌ی معنای خیانت کار بودن، آموزش‌هایی دهد. شکسپیر، دنیایی را به تصویر می‌کشد که پر از خیانت کارانی است که بر اساس نظر بانو مکداف باید مردان صادق، آن‌ها را به دار آویزند. با وجود این پسر بانو مکداف بر این باور است که تعداد خیانت‌کاران بسیار بیشتر از درست‌کاران است. در چنین

وضعیتی، خیانت کاران هستند که به راحتی می‌توانند درست کاران را شکست دهند و آن‌ها را به دار بیاویزند و تمام این تلاش‌هایی که مادرش درباره‌ی آن‌ها صحبت می‌کند هم سرانجام راه به جایی نخواهد برد. برای این بانو، دنیا مکانی شرور و پلید است که در آن ضرر و آسیب رساندن تشویق می‌شود و خیر و نیکی رساندن گاهی حماقت خطرناک فرض می‌گردد. در زمان وقوع یک کودتا، دنیا جایی ناامن برای آن‌هایی می‌شود که در قدرت هستند. (پرده‌ی چهارم، صحنه‌ی دوّم)

مادر، آیا پدرم خائن بوده؟

مادر: کسی که قسم خورد و دروغ بگوید و آن کس که چنین خیانت کار است و به دارش باید آویخت.

و مردان شرافتمند باید او را به دار بکشند.

پسر: این گونه که هست، راستی که سوگندخوران و دروغ‌گویان نادانند، زیرا که شمارشان کافی است تا مردان شریف را مغلوب کنند و بر دارشان کشند. (پرده‌ی چهارم، صحنه‌ی دوّم)

مالکوم تشویش و نگرانی‌اش را از طریق کلمات زیر به مکداف توضیح می‌دهد (پرده‌ی چهارم، صحنه‌ی سوّم):

مالکوم: رنجیده نشو ز حرف‌هایم زیرا

ترسم فقط از تو نیست، زیرا با آن

دلواپس سرزمین خویشم که کنون

خم گشته به زیر یوغ، گریان، خونین

هر روز به زخم تازه‌ای خونین‌تر. (پرده‌ی چهارم، صحنه‌ی سوّم)

مالکوم فکر می‌کند که کشورش در حال تجزیه شدن زیر بار طاقت‌فرسای ظلم و ستم است؛ کشوری که در حال خون دادن و اشک ریختن است. او عمیقاً بر این باور است که مکبث، تشنه‌ی خون، فاسد، طمع کار، دروغ‌گو، خیانت کار، عجول و عقده‌ای است.

مالکوم: دائم که ستمگر است و خون‌ریز و شریر

بدسیرت و آرزیش، کذاب و محیل

آزاررسان و ناشکیبا، آری

از هر چه که معصیت توانی خواندش در اوست نشان... (پرده‌ی چهارم، صحنه‌ی سوّم)

۴-۱-۸- قربانی شدن

افراد بی‌گناه زیادی قربانی حرص و طمع مکبث و شهوت او برای قدرت می‌شوند. کشور بدون صاحب و اداره‌کننده رها شده و مانند کشتی در طوفان‌های متعدّد آشوب، حرص و آز، دروغ، خیانت، انتقام‌گیری‌های خونین، آشوب سیاسی و مسابقه‌ای رقّت‌انگیز برای تصاحب قدرت به این طرف و آن طرف می‌رود. هیچ خبر خوبی نمی‌رسد؛ هیچ امید برای راحتی و رهایی نیست:

نگذار که گوش‌های تو تا ابد

نفرین بکند زبان من را که کنون

زان قصه‌ی غم‌فزا سخن خواهد گفت

با تلخ‌ترین صدا

به یورشی قصرت را

کردند تصرف و چه جلاّدانه

کشتند زنت و کودکانت همه را

گر وصف کنم چگونه آهوبچگان

گشتند شکار گرگ، خواهم افزود... (پرده‌ی چهارم، صحنه‌ی سوم)

و انتقام این‌گونه پا به عرصه‌ی وجود می‌گذارد، گستاخ و برهنه و گفت‌وگوی پایان این صحنه خود اثبات آن است. پرده‌ی پنجم با موضوع بانو مکبث آغاز می‌گردد و در خواب راه رفتن و خطابه فردی او به نمایش گذاشته می‌شود. بانوی قوی و بی‌رحم به یک شخصیت آسیب‌پذیر و شکننده تبدیل می‌شود. به نظر می‌آید که با کارهایش در حال توبه کردن برای اعمال ناپسند گذشته‌اش است. به هر حال او از شوهرش با گناه خیانت، دروغ و سرپوش و از پشت خنجر زدن بسیار گناهکارتر است. بانو حتی در تاریکی نمی‌تواند بخوابد. دستور می‌دهد که همیشه همه‌جا را روشن نگه دارند، حتی زمانی که او در خواب است. صحنه‌ای که در آن بانو مکبث در خواب راه می‌رود، درحالی که چشمانش باز است، ولی جایی را نمی‌بیند، نماد کور بودن چشم‌های به ظاهر باز است: «...کسی که چشم دارد، ولی نمی‌تواند ببیند، و گوش دارد، ولی نمی‌تواند بشنود...» قسمت قابل توجهی از این تراژدی در شب اتفاق می‌افتد؛ در سیاهی که در آن داشتن یا نداشتن چشم، فرق زیادی ندارد. تاریکی شب، مفهوم آشنای تاریکی در زندگی روزمره نیست، بلکه به شکلی جدی‌تر و معنادارتر به تصویر کشیده می‌شود و به‌عنوان «شب

ضحیم» یا «پتوی تاریکی» که در آن از دست دادن کامل نور، دیدن همه‌چیز را غیر ممکن می‌کند، حتی دیدن دست‌های خودتان.

«یا مانند ظلمات دریای مواج عمیقی ماند که امواج آن بعضی بالای بعضی دیگر دریا را بپوشاند و ابر تیره نیز فراز آن برآید تا ظلمت‌ها چنان مترکم فوق یکدیگر قرار گیرد که چون دست بیرون آرد، آن را نتواند دید.» (قرآن کریم، سوره نور / ۴۰).

بنابراین این صحنه یادآور فرایند غم‌انگیز سقوط و آشوب سیاسی است که به‌نحوی کاملاً آشکار و قوی نشان می‌دهد که پاسخ‌پلیدی چیست و چگونه‌پلیدی، شروع‌کننده و تولیدکننده‌ی پلیدی‌های وحشتناک‌تر است. گردابی بی‌انتهای از انتقام‌جویی و تحوّل سیاسی و پایان‌شوم آن در برابر دیدگان خواننده ترسیم می‌شود. نمایشنامه به‌شکلی واقعی، بی‌تعارف و بی‌رحم واقعیت را نشان می‌دهد، به‌گونه‌ای که در آن قتل یک شاه عادل و مشروع، عواقب جدی و تلخی را رهنمون می‌شود. نه تنها مکبث، بلکه بانو مکبث هم حتی بعد از خیانتشان نسبت به پادشاه و مردم، یک شب را راحت نخواهیدند. بانو مکبث به خواننده احساس سرد و بی‌رحم خیانت را در طول نمایشنامه القا می‌کند و در پایان نیز از لحاظ روانی کاملاً فروریخته نمایان می‌گردد. این تغییری تعجب‌انگیز، عمیق و ماهرانه در مهارت شخصیت‌پردازی مورد انتظار خواننده است که فقط نویسندگانی مانند شکسپیر قادر به انجام آن هستند.

پزشکی که نزد بانو مکبث می‌آید، بر این باور است که دارویی برای این بانو وجود ندارد و فقط دخالت و معجزه از طرف خداوند شاید بتواند کاری انجام دهد.

دیری است که رفته طعم ترس از یادم

می‌بود زمان و روزگاری که در آن

حتی ز شنیدن غریبوی در شب

از ترس، حواس من هم می‌خشکید

اما اکنون ز ترس سیرابم من

فکرم به جنایت است مأنوس چنان

کز هیچ مصیبتی نخواهم لرزید. (پرده‌ی پنجم، صحنه‌ی پنجم)

۴-۱-۹- بیهودگی

شکسپیر، مردانی را در قدرت به تصویر می‌کشد که دارای روابط سیاسی سالم، اعتماد و وفاداری و متناسب با طبیعت و محیط اطراف خود هستند. ولی در طول نمایشنامه، برخی نقشه‌ها و سناریوها در پشت پرده، داستانی متفاوت را بازگو می‌کند.

سخنان مکبث در پرده‌ی پنجم، صحنه‌ی پنجم، نشان‌دهنده‌ی پوچی و بی‌معنا بودن تلاش انسان و جاه‌طلبی او برای قدرت است. پایان‌نهایی زندگی انسان، مرگ است. مکبث و بانویش به خاطر خیانتشان تبدیل به مرده‌ی متحرک شده‌اند. از نظر آن‌ها، عمر انسان مانند عمر یک شمع، کوتاه و مانند سایه‌ای در حال حرکت است:

فردا، فردا و باز فردا، فردا

با گام حقیر می‌خزد روز به روز

تا لحظه واپسین هجای تقدیر

آری، دیروزهایمان هم یکسر

بودند چراغ راه نادانان تا

مرگی خاکی. بمیر شمع بمیر! (پرده‌ی پنجم، صحنه‌ی پنجم)

۴-۱-۱۰- جاه‌طلبی

می‌توان نتیجه گرفت که گناه مکبث، به تغییری از وفاداری عمیق و به جاه‌طلبی نابودکننده و خانمان-سوز او مربوط می‌شود. او تجسم نجابت و اصالت و سلحشور است، ولی گناه جاه‌طلبی و خیانت در وجود او خانه‌گزیده است. او خودش اقرار می‌کند:

اینک کافی است!

زیرا که مراست جرأت و مردی

آن‌گونه عمل کنم که باور دارم

شایسته مردی است... (پرده‌ی اول، صحنه‌ی هفتم)

مکبث یک جنگجوی دلیر است؛ سربازی نترس و شجاع که شجاعت و شرافتش از همان آغاز نمایشنامه مورد تأکید است و پادشاه از او با افتخار و به منزله یک هم‌خون و خویشاوند یاد می‌کند. جاه‌طلبی او را از یک مرد شریف و جنگجویی مثال‌زدنی به یک مزدور بی‌رحم و وحشی مبدل می‌سازد.

همانند شخصیت‌های دیگر شکسپیر، مکبث کمبودهای غم‌انگیز خود را دارد و در حقیقت پایان رقت-انگیز او ترجمان این مدعاست. در این مسیر، جاه‌طلبی منجر به دیوانگی‌اش می‌شود و مانند یک قاتل زنجیره‌ای که زمان کمی دارد، بدون کنترل به اعمال خونینش ادامه می‌دهد تا جایی که خون بانکو، همسر مکداف و کودکش را نیز می‌ریزد.

بانو مکبث هم در آتش جاه‌طلبی دست و پا می‌زند، ولی شکل و ماهیت آن با همسرش متفاوت است. جاه‌طلبی بانو مکبث نه به خاطر خودش، بلکه از عشق واقعی او به مکبث نشأت می‌گیرد. بانکو نیز جاه-طلب است، ولی بسیار متفاوت از مکبث آن را ارائه می‌دهد. جادوگران درباره‌ی او نیز پیشگویی می‌کنند، با این تفاوت که او تلاش می‌کند تا حسّ جاه‌طلبی خود را سرکوب نماید و مسیر درستکاری را در پیش بگیرد.

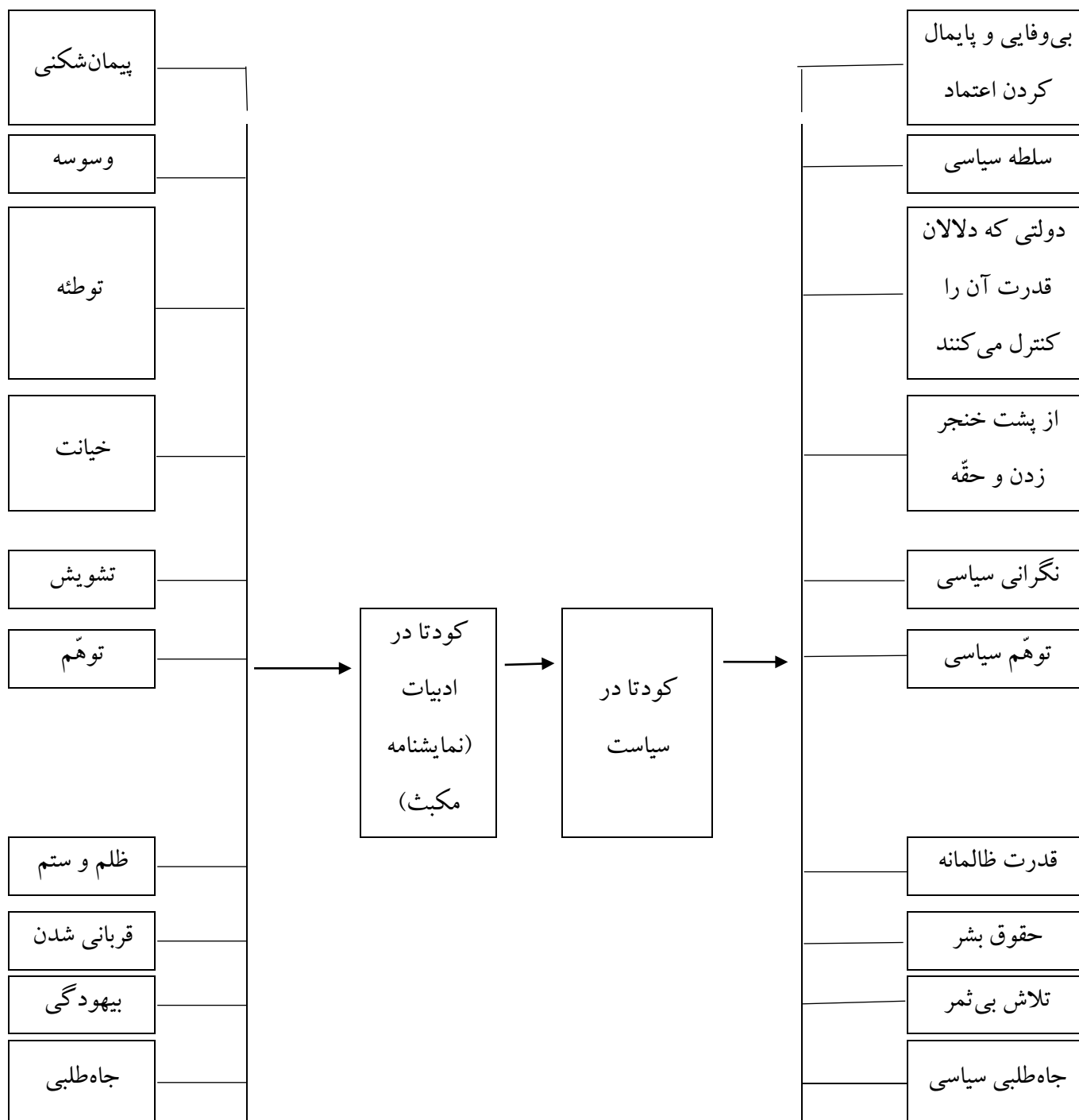
یافته‌های مطالعه و شواهد متنی از نمایشنامه مکبث

| مثال‌هایی از<br>نمایشنامه  | اجزا   | بعد مورد نظر   |
|--|--|--|
| <p>پرده‌ی اوّل،<br/>صحنه‌ی دوّم<br/>پرده‌ی اوّل،<br/>صحنه‌ی چهارم<br/>پرده‌ی اوّل،<br/>صحنه‌ی پنجم</p> | <p>بی‌وفایی و پایمال کردن<br/>اعتماد</p>           |  |
| <p>پرده‌ی اوّل،<br/>صحنه‌ی پنجم<br/>پرده‌ی اوّل،<br/>صحنه‌ی ششم<br/>پرده‌ی اوّل،<br/>صحنه‌ی هفتم</p>   | <p>سلطه‌ی سیاسی</p>                                | <p>پیش‌بینی وجود و مفهوم کودتا در مکبث اثر شکسپیر<br/>قبل از مطرح شدن این مفهوم در دنیای سیاست</p> |
| <p>پرده‌ی دوّم،<br/>صحنه‌ی سوّم</p>  | <p>دولتی که دلالت قدرت<br/>آن را کنترل می‌کنند</p> |  |
|  |  |  |

|  |                        |  |
|--|------------------------|--|
|  | از پشت خنجر زدن و حقّه | پرده‌ی سوّم،<br>صحنه‌ی سوّم<br>پرده‌ی دوّم،<br>صحنه‌ی چهارم<br>پرده‌ی سوّم،<br>صحنه‌ی اوّل |
|  | نگرانی سیاسی           | پرده‌ی سوّم،<br>صحنه‌ی دوّم  |
|  | توهم سیاسی             | پرده‌ی سوّم،<br>صحنه‌ی چهارم<br>پرده‌ی چهارم،<br>صحنه‌ی دوّم                               |
|  | قدرت ظالمانه           | پرده‌ی چهارم،<br>صحنه‌ی دوّم<br>پرده‌ی چهارم،<br>صحنه‌ی سوّم                               |
|  | حقوق بشر               | پرده‌ی چهارم،<br>صحنه‌ی سوّم<br>پرده‌ی پنجم،<br>صحنه‌ی پنجم                                |
|  | تلاش‌های بیهوده        | پرده‌ی پنجم،<br>صحنه‌ی پنجم  |
|  | جاه‌طلبی سیاسی         | پرده‌ی اوّل،<br>صحنه‌ی هفتم  |



مدل مفهومی پژوهش



بر اساس مدل مفهومی پژوهش و خلاصه‌ی یافته‌ها، اولین یافته‌ی مطالعه‌ی حاضر این است که نمایشنامه‌ی مکبث که ریشه‌هایی در ادبیات کلاسیک دارد، محدود به یک زمان و مکان خاص نیست. در بررسی نمایشنامه، این مطالعه قسمت‌هایی از آن را به ده عنصر تشکیل‌دهنده تقسیم کرد و از هر قسمت،

مثال‌هایی از این اثر ادبی آورد که نشان می‌داد در کدام پرده و صحنه، این گفتمان موردنظر در نمایشنامه مطرح می‌شود.

با نگاه فرامنتی و بین‌متنی در تحلیل کلام (Fairclough, 2001; Wodak, 2001b; Meyer, 2001) که یکی از ابزار کنونی مطالعه بود و با توجه به اهمیت موضوع سیاست برای نسل‌های آینده، ده عنصر پراهمیت و معنادار در نگاه تئوری سیاسی با ده عنصر تشکیل‌دهنده و مستخرج از نمایشنامه مکبث مقایسه شد و وجود موازی آن‌ها در این نمایشنامه و در این تحقیق مورد بررسی و بحث قرار گرفت: پیمان‌شکنی با بی‌وفایی و پایمال کردن اعتماد؛ وسوسه با تسلط سیاسی؛ توطئه با دولت تحت کنترل دلالان قدرت؛ خیانت با خدعه و نیرنگ؛ نگرانی با نگرانی سیاسی؛ توهم با توهم سیاسی؛ ظلم و ستم با قدرت ظالمانه؛ قربانی شدن با حقوق بشر؛ بیهودگی با تلاش‌های بیهوده و جاه‌طلبی با جاه‌طلبی سیاسی.

#### ۴- نتیجه‌گیری

شکسپیر، نقاشی ویژه و تأثیرگذار است که تصویری ابدی از مردی را روی بوم نقاشی‌اش می‌کشد که در دخمه‌ی پرپیچ و خم وسوسه‌های پوچ و بیهوده سیاسی گیر افتاده است. در سخن جان درآیدن (۲۰۱۲)، «شکسپیر مردی بود که در بین تمام شاعران گذشته و حال، بزرگ‌ترین و جامع‌ترین روح را داشت.» نبوغ شکسپیر در این نهفته است که هم در زمان خود قرار دارد و هم از زمان و عصر خود به‌عنوان یک نمایشنامه‌نویس فراتر می‌رود. کودتا، مفهومی جدید در سیاست است، ولی در شاهکار او، نمایشنامه‌ی مکبث، شکسپیر دو کودتا را هم‌زمان خلق می‌کند. یک کودتا در درون قهرمان تراژدی اتفاق می‌افتد؛ در زندگی عاطفی و در زندگی شخصی‌اش. او تمام این تصویر را به‌عنوان یک نجیب‌زاده نشان می‌دهد، یک جنگجو و یک همسر قابل اعتماد. کودتای دیگر در اسکاتلند است. هر دوی این کودتاها به نابودی و کشتار ختم می‌شود. خوانندگان، خیانت و بدعهدی را از همان صحنه‌ی اول نمایشنامه احساس می‌کنند و می‌توانند حتی بوی خون و لگه‌های پاک‌نشده‌ی آن را روی دستان بانو مکبث تصور و حس کنند. خواننده‌ی تیزهوش متوجه خواهد شد که شاه دانکن به اندازه مکبث، مسئول فاجعه‌ی خون‌های ریخته شده و پادشاهی بربادرفته است. برای یک شاه شایسته نیست که این همه نرم‌خو و متواضع باشد، تا جایی که کنترل کافی روی تاج و تخت و سرزمینش و مهارت سریع سیاسی برای حکمرانی قوی نداشته باشد. دانکن، زمان و فرصت کافی را به دشمنان پنهان پشت ماسک‌هایشان می‌دهد تا هر کاری می‌

خواهند انجام دهند، به آرزوهایشان جامه عمل ببوشانند و خانواده‌ی شاهنشاهی و حاکمیت او را نابود کنند.

مکبث، داستان غم‌انگیز انسان و طبیعت اطرافش است. این اثر روشن می‌کند که انسان چگونه قدم‌های کوچکی به سمت نابودی خودش برمی‌دارد، در حالی که جاه‌طلبی‌هایش او را کاملاً فراگرفته است. وضعیت و شرایطی که انسان در آن قرار دارد، ناگزیر اعمال و امیالش را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ مطلبی که در مکبث کاملاً بدیهی و آشکار است. وقتی که از جنگ‌های متعدد خسته است و ضربات و بار جنگ را هنوز بر دوش خود احساس می‌کند، نجوایی پلید و شوم، شروع به زمزمه برای قتل پادشاه می‌کند؛ وسوسه‌ای که بانو مکبث به آن قدرت می‌بخشد و قدرت مقاومت را از مکبث می‌گیرد و بذر حرص و طمع و جاه‌طلبی را در قلب و روح او می‌پاشد. توصیف او از پزشکش در واقع مانند اعترافی درباره‌ی شرایط و ذهن مجنون خودش است و نشان می‌دهد که چگونه او مستأصل و ناامید شده است. مکبث اشاره می‌کند که این کلمات نشان‌دهنده‌ی مریضی روح و مغز است که نوشته می‌شوند، ولی پاک نمی‌شوند، چون همیشه آنجا حکاکی شده‌اند.

سرانجام استیصال و ناامیدی نهایی مکبث در پرده‌ی پنجم، صحنه‌ی پنجم اتفاق می‌افتد که در آن از مرگ شریکش در جنایت مطلع می‌شود: «زندگی چیزی نیست به جز شبه و سایه‌ای که پیاده در حال حرکت است، بازیگری ضعیف...». در اینجا مکبث به گای فوکس شباهت دارد، زمانی که مأموران پادشاه، او را در سرداب زیرزمین پیدا کردند، درحالی که گای فوکس از تعجب و ترس خشکش زده بود و کبریت در دست بی حرکت بود و نمی‌توانست هیچ عضوی از بدنش را کوچک‌ترین تکانی دهد. ذات کودتا، ناگهانی و صاعقه‌گونه است و پس از وقوع آن، نه تنها فرصتی برای اندیشه و بررسی برای حاکمان نمی‌ماند، بلکه خود، اولین قربانی کودتای موفق و یا ناموفق می‌گردند. تصویر کودتا غیر قابل بازبینی است و شکسپیر، اولین نویسنده‌ای محسوب می‌گردد که شکل‌گیری یک کودتا از فکر تا عمل، از وسوسه تا اقدام، از وفاداری تا خیانت، از شجاعت تا ترس، از افتخار تا ندامت را لحظه به لحظه روی صحنه به نمایش می‌گذارد و نشان می‌دهد که این طفل نابکار، چگونه با رشد نابهنگام خود به شوربختی دولت و ملت و منافع یک حکومت منجر می‌شود.

## منابع

### – قرآن کریم

– شکسپیر، ویلیام (۱۳۹۱)، **تراژدی مکبث**، ترجمه داریوش آشوری، تهران: آگه.

– ..... (۱۳۹۵)، **تراژدی مکبث**، ترجمه حمید الیاسی، تهران: روشنگران.

- Abdul Muttaleb, F. & Rawashdeh, M. K. (2021), Macbeth Political Imagination: The Struggle for Kingship in Macbeth, *Jerash for Research and Studies Journal*, Vol. 20, ISS2, Article 11.
- Augustyn, A. (2022), *Coup d'état political intervention*. Britannica Encyclopedia.
- Fairclough, N. (2001), Critical discourse analysis as a method in social scientific research. In R. Wodak, & M. Meyer. (Eds.), *Methods of Critical Discourse analysis* (pp. 121-138). London: Sage.
- Femie, E. (2013), *The Demonic Literature and Experience*. London: Routledge.
- Goldstein, G. B. (2017), *The Nobility of High Politics in Shakespeare*. National Review Politics and Policy.
- Harrison, G. B. (1959), *Major British Writers*. University of Michigan, Harcourt, Brace and World INC.
- Howell, M. L. (2008), *Manhood and Masculine Identity in William Shakespeare's The Tragedy of Macbeth*. Lanham, MD: UP of America.
- Leggatt, A. (1988), *Shakespeare's Political Drama: The History Plays and The Roman Plays*. Routledge, British Library.
- Lickindorf, E. (1987), *Morality and Politics of Shakespeare's Macbeth. Literato*, No 3.
- Luttwak, E. (2016), *Coup d'état: A Practical Handbook*. Harvard University Press.
- Mabillard, A. (2000), *Shakespeare and the Gunpowder Plot. Shakespeare Online*. 20 Aug. 2000.
- MacLean, I. (1996), *The Concise Oxford Dictionary of Politics*. Oxford University Press, Pp.117-118.
- Meyer, M. (2001), Between theory, method, and politics: positioning of the approaches to CDA. In R. Wodak, & M. Meyer. (Eds.), *Methods of Critical Discourse analysis* (pp. 121-138). London: Sage.

- Parker, B. L. (1970), *The Sewanee Review*, Vol. 78, No. 3 (summer, 1970), pp. 476-487 (12 pages). The Johns Hopkins.
- Paul, R. (2012), *Macbeth*. New Delhi, University of Delhi.
- Scott, C. E. (2008), *The Betrayal of Democratic Space*, *Journal of Speculative Philosophy*, Vol 22, No. 4, Pennsylvania State University.
- Shakespeare, W. (1623), Dover publications Unabridged edition (December 23, 1993), The Kindle eBook.
- Wodak, R. (2001a), What CDA is about: a summary of its history, important concepts and its developments. In R. Wodak, & M. Meyer. (Eds.), *Methods of Critical Discourse analysis* (pp. 1-13). London: Sage.
- Wodak, R. (2001b), *The Discourse-historical Approach*. In R. Wodak, & M. Meyer. (Eds.), *Methods of Critical Discourse analysis* (pp. 63-94). London: Sage.
- Wodak, R. & Meyer, M. (Eds.). (2001), *Methods of Critical Discourse analysis*. London: Sage.

## Literary Schools as Forerunners of Political Schools: Anticipation of Coup d'états in Shakespeare's *Macbeth*

Seyyede Zahra Nozen<sup>1</sup> 

Hadidi, Yaser<sup>2</sup> 

DOI: 10.22080/RJLS.2022.23872.1332

### Abstract

Not only does power blind but so does the ambition to clutch and obtain it. "What hands are here? Ha! They pluck out mine eyes!" Macbeth confessed his confusion which was born of the illusion of power. Written and performed in 1606, Shakespeare's *Macbeth* predicted the phenomenon and concept of Coup d'état. All that he says and acts throughout this play captures the telltale essence and soul of what people came to understand and feel many years later, namely, the Coup d'état. Macbeth's desire for kingship and the throne led to illusion, madness and, eventually, loss. The Bard of Avon visualized the unlawful seizure of power two centuries before the political terminology of Coup d'état appeared in English texts in the 19th century. This paper is an attempt at investigating the nature and the elements of Coup d'état in *Macbeth* and appreciates the poetic prediction of this political concept through a contextual analysis of the main character's tragic fate. The alchemy of ambition and the thirst for power convert trust into treachery, fidelity into treason, friendship into feud, demolishing all hopes and horizons for the state in the fictitious and real world alike. Backstabbing becomes very evident as the play moves on, but it is too late for King Duncan to prevent it. Political theorists could hence look a little farther back in history to draw on Shakespeare's *Macbeth* and propose an earlier and predating definition for Coup d'état, as the current article intends to look at by a close content analysis of the textual evidence in Shakespeare's tragedy, *Macbeth*.

**Keywords:** Coup d'état, Temptation, Illusion, Macbeth, Loyalty

### Extended Abstract

### Introduction

---

<sup>1</sup> Assistant Professor, Department of English Language and Literature, Amin Police Science University, Iran. Corresponding author: znozen@yahoo.com.

<sup>2</sup> Assistant Professor, Department of English Language and Literature, University of Tabriz, Iran.

Shakespeare's *Macbeth* reflects his thoughts on the political incidences of his time as if the playwright classifies the most important political characteristics for legislators and administrators so that they are made aware of those who, voracious to gain power and advantage, ingratiate themselves with those in political power. Not only does power blind but so does the ambition to clutch and obtain it. "What hands are here? Ha! They pluck out mine eyes!" Macbeth confessed his confusion which was born of the illusion of power. Written and performed in 1606, Shakespeare's *Macbeth* predicted the phenomenon and concept of Coup d'état, immediately after the disastrous fate of King Lear and long before the expression itself came into political parlance. All that he says and acts throughout this play captures the telltale essence and soul of what people came to understand and feel many years later, namely, the Coup d'état. Macbeth's desire for kingship and the throne, awakened by witches and thriving to tumultuous extremes through his wife's words and actions, led to illusion, madness and, eventually, loss. The Bard of Avon visualized the unlawful seizure of power two centuries before the political terminology of Coup d'état appeared in English texts in the 19th century. This paper is an attempt at investigating the nature and the elements of Coup d'état in *Macbeth* and appreciates the poetic prediction of this political concept through a contextual analysis of the main character's tragic fate in the play. The alchemy of ambition and the thirst for power convert trust into treachery, fidelity into treason, friendship into feud, demolishing all hopes and horizons for the state in the fictitious and real world alike. Shakespeare seems to be warning the prosperous Queen of the possible threat of infidelity by the long-trusted generals whose thoughts and heads were pregnant with evil ambition like that of Macbeth. Evil has coiled its way into him like a snake, running all through his being, leaving him no hope in life. Shakespeare portrays people in great power and healthy political relations, trust and loyalty in harmony with nature and their surroundings, but what yet resides inside is totally different. Backstabbing becomes very evident as the play moves on, but it is too late for King Duncan to prevent it. Political theorists could look a little farther back in history to draw on Shakespeare's *Macbeth* and propose an earlier and predating definition for Coup d'état in their dictionaries, as the current article intends to look at by

a close content analysis of the textual evidence in Shakespeare's tragedy, *Macbeth*.

### **Research Methodology:**

This is a qualitative research using textual and hyper-textual analyses and textual references. Historical background as well as the required theoretical underpinnings on the concept of coup d'état would be explained upon need. Research findings will be examined using a meticulous analysis of Shakespeare's *Macbeth*. To this purpose, authors attempt to identify ten major factors in the play which are related to the concept of coup d'état: breaking oaths, temptation, intrigue, treason, anxiety, delusion, tyranny, victimization, futility, nihilism and ambition. Examples of each of the above mentioned concepts were analyzed in the play to hand in the conceptual model of this research. On this basis, authors will review previous research and theories in this field. Another theoretical tool was also used for textual and discourse analyses. It was absolutely essential that textual, hyper-textual, and intertextual perspectives – used in discourse and textual analyses – be used in this research. It is so because one of the important goals of this research is constructing and re-identifying relationships with texts, and the polyphony of voices and ideas in the world of politics, political theories, political schools and their relationship with world literature texts.

### **Research Findings:**

Though many scholars and playwrights have focused on political aspects of human life, Shakespeare's achievement in his shortest tragedy is resonant beyond his time and place. To those who have political power, Shakespeare offers a deeper understanding of the modern world. Shakespeare's *Macbeth* reflects his thoughts on the political incidences of his time as if the playwright classifies the most important political characteristics for legislators and administrators so that they are made aware of those who, voracious to gain power and advantage, ingratiate themselves with those in political power.

### **Conclusion:**

*Macbeth* is the tragic story of man and his surroundings. The play brings to light how a man takes small steps towards his own perdition as his judgment is clouded by his ambition. The play *Macbeth* which was staged



during the reign of Elizabeth targeted an audience who believed in ghosts and superstitions. Even James I, king of England, was an extremely superstitious person. Shakespeare was well studied in both human nature and political nature. He believed if unchecked, both would lead to annihilation and death. This is the idea he depicts in his play. Macbeth, the general of King Duncan's army and a Scottish nobleman, has many worthy qualities in mind and heart. However, he is brought to his knees through his ambition and his personal and political lives are brought to a disastrous end. In this tragic hero, love, fear and ambition are depicted as strong forces of nature. The nature of a coup d'état is treason, falsehood, and misuse of trust to achieve political power. Macbeth's situation in this regard is just like that of an unripe apple which has tricked many noble men in history with its deceiving appearance, despite its sour taste which would not be wiped away from one's mouth if eaten. In a bigger scale, people are ignorant and incapable of predicting future events. They do not understand how their attempts for such big moves result in loss of security. What seemed to be manageable one day proves so complicated that no remedy except for a miracle can save them. Delusion, madness, chaos, downfall, bloodshed, and anarchy are portrayed through portrayal of life as worthless.